



# ابن الشرفیه و کتاب عیون الحکم و المواعظ\*

حسن انصاری قمی

افندی در ریاض‌العلماء (۴/ ۱۸۶) از شخصی به نام کافی‌الدین ابوالحسن علی‌بن محمدبن ابی‌نزار الشرفیه الواسطی یاد کرده و درباره او می‌نویسد که او از بزرگان علما بود و از او قطب‌الدین کبیری به واسطه علاءالدین شهاب‌الاسلام حسین بن علی بن مهدی الحسینی روایت می‌کند. افندی می‌افزاید که شیخ فقیه رشیدالدین ابوالفضل شاذان بن جبرئیل قمی، چنانکه از مناهج‌الزهج قطب‌الدین کبیری یاد شده (درست آن: مباحج‌المهج نک: الذریعه، ۱۹/ ۴۶) برمی‌آید، شیخ روایت این کافی‌الدین بوده است. افندی به نقل از قطب‌الدین در کتابش می‌نویسد که قطب‌الدین او را «الشیخ الاجل العالم کافی‌الدین ابوالحسن علی بن محمدبن ابی‌نزار (ابن: موجود در نسخه کتاب مباحج در کتابخانه آیة‌الله گلپایگانی) الشرفیه الواسطی» نامیده است و گفته که علاءالدین یاد شده در شهر موصل و در تاریخ ۱۷ شوال سال ۵۹۳ ق از وی حدیث شنیده است. پرسش ما این است که این کافی‌الدین ابن الشرفیه کیست؟ برای روشن‌تر شدن مسئله چند سند و ماخذ دیگر را مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

۱- ابن‌الفوطی در کتاب تلخیص مجمع‌الاداب (۴/ ۳/ ۲۵۹) از فخرالدین ابوالحسن علی‌بن محمدبن نزار (و نه ابی‌نزار) الواسطی

۲- بنا بر نقل کتاب انسان‌العیون فی مشاهیر سادس القرون (شاید از ابی‌ابن عذیبه، درگذشته سال ۸۵۶ ق، نک: فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیة‌الله مرعشی، ۲/ ۳۶۰ - ۳۶۱) که عکس آن در اختیار من هست، ابن‌ابی‌طی حلبی، عالم نامدار امامی مذهب حلب نزد فخرالدین علی بن محمدبن نزار (و نه ابی‌نزار) ابن الشرفیه واسطی قرائت کرده است (ص ۲۷۵ عکسی). چنانکه می‌بینیم در این دو ماخذ علاوه بر اینکه نام نیای او نزار و نه ابی‌نزار آمده، لقب او فخرالدین (به جای کافی‌الدین) آمده است.

۳- بنا بر سند آغازین کتاب مناقب از ابن مغازلی، علی بن محمد بن حامد الصنعانی الیمنی (که در مکه در سال ۵۹۸ کتاب را به شخصی به صورت مناوله، اجاره داده است) از ابوالحسن علی بن ابی‌الفوارس ابن ابی‌نزار ابن الشرفیه روایت می‌کند و ابن الشرفیه نیز کتاب مناقب را از «الشیخ المعمر صدرالدین المقری صدرالجامع بواسط ابوبکر ابن‌الباقلانی المقری» و «قاضی جمال‌الدین نعمة‌الله ابن‌العطار» و «القاضی الاجل العدل عزالدین هبة‌الکریم بن‌الحسن بن‌الفرج بن علی بن حیاش» (و درست آن: حیاش) روایت می‌کرده است. ابن الشرفیه کتاب مناقب را در رجب ۵۷۱ ق از ابن حیاش شنیده بوده است (نک:



ص ۲؛ نیز: محاسن الازهار، نسخه جامع کبیر صنعاً، شماره ۲۰۲۵، برگ ۳). نسخه مناقب که در یمن بوده، در اصل براساس نسخه‌ای است که ابوالحسن علی بن محمد بن الحسن بن ابی نزار بن الشرفیه در واسط عراق آن را در ۱۲ شب استنساخ کرده بوده و در تاریخ ۱۲ شوال سال ۵۸۵ ق از آن فراغت یافته بوده است (ص ۴۲۰). ابن الشرفیه بنابر نسخ موجود مناقب که حاوی یادداشتی به نقل از اوست، صاحب دکانی در محله وراقین واسط بوده و پیشتر از سال ۵۸۵ ق نیز، نسخه‌ای از مناقب را استنساخ کرده بوده که در سال ۵۸۰ ق نزد قاضی جمال الدین نعمه ابن علی بن احمد بن العطار (که نامش پیشتر بصورت مختصر گذشت) در دکان همین ابن الشرفیه و براساس آن نسخه دستنویس ابن الشرفیه، مناقب را شخصی به نام امیرشرف الدین ابوشجاع ابن العنبری شاعر قرائت کرده بوده است. ابن قاضی جمال الدین نعمه ابن علی خود نواده دختری محمد بن علی فرزند ابن المغازلی مؤلف مناقب بوده است (ص ۴۴۶). علی بن محمد بن الشرفیه همچنین بنابر یادداشت او بر نسخه خود از کتاب مناقب، کتاب ابن مغازلی را در چند مجلس به تاریخ صفر ۵۸۳ ق در جامع واسط برای مردم می‌خوانده است (ص ۴۴۸) چند بیت شعر نیز در فضائل اهل بیت (ع) و طعن بر دشمنان آنان در پایان نسخه موجود مناقب به نقل از نسخه خود ابن الشرفیه، آمده است (ص ۴۴۷ - ۴۴۸).

در مورد نسخه کتاب مناقب ابن المغازی، باید گفت که تفاوت‌هایی در ضبط نسب ابن الشرفیه میان این سند با سندهای پیشین وجود دارد که می‌تواند از اختصار و یا عدم اختصار در ذکر نسب و یا ذکر کنیه به جای نام در نسب ناشی شده باشد.

۴- همچنین چنانکه در سند کتاب تاریخ واسط بحشال می‌بینیم، «الرئیس الاجل جمال الدین ابوالحسن علی بن محمد بن الشرفیه»، کتاب را به قرائت امین الدین مصدق بن شیبب نحوی نزد «القاضی الاجل العدل زکی الدین شرف القضاة شیخ الشهور ابوطالب محمد بن علی بن احمد الکنانی المحتسب بواسط» فرا گرفته بوده است (ص ۲۹۴ - ۲۹۵). تاریخ این قرائت، ۲۴ ذی‌قعدة سال ۵۷۳ ق ضبط شده است (ص ۲۹۹). در اینجا لقب ابن الشرفیه، جمال الدین ثبت شده است.

۵- سلطان ایوبی حماة، الملک المنصور اول یعنی ابوالمعالی ناصرالدین محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب (درگذشته سال ۶۱۷ ق)، در کتاب دررالاداب و محاسن ذوی الالیاب که نسخه آن در جامع کبیر صنعاً موجود است (به شماره ۲۰۶۱)، از علی بن محمد بن ابی نزار بن الشرفیه الواسطی (به صورت اجازه و مناوله) روایت می‌کند. تاریخ این اجازه به سال ۵۹۹ ق، بوده است. در این روایت ابن شرفیه از شاذان بن جبرئیل قمی، محدث و عالم نامدار امامی روایت می‌کند (برگ ۱۰).  
۶- حسن بن سلیمان حلی، محدث و عالم امامی و شاگرد شهید اول، در کتاب المحتضر (ص ۱۱۱)، از کتابی بنام اللباب نام برده و آنرا به

ابن شریفه واسطی منسوب داشته که احتمالاً تصحیف ابن شرفیه واسطی است (نیز نک: افندی، ۲۳/۶؛ الذریعه، ۱۸/۲۷۳).

خلاصه مطالب گذشته، این است که ابوالحسن علی بن محمد بن الشرفیه واسطی که چندین لقب برای او ذکر کرده‌اند و نسبش را به اختلاف ضبط نموده‌اند، در واسط می‌زیسته و شغلش وراقی و در ۵۹۹ ق زنده و زمانی نیز در موصل بوده است. او شعر نیز می‌سروده است که علائق شیعی او کاملاً از مشایخ و شاگردان و روایت کتاب مناقب و شعرش پیداست و حتی دور نیست که امامی مذهب بوده باشد. همین جا باید گفت که علاءالدین حسین بن علی حسینی که واسطه روایت کیدری از ابن شرفیه بوده، عالمی است امامی مذهب که در سبزوار بوده و شیخ منتجب الدین از وی یاد کرده است (ص ۵۳).

حال از سویی دیگر مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی (رحمه‌الله) در مجموعه مقالات گرانقدر نهج البلاغه خود که هنوز کاملاً به چاپ نرسیده و امید است که به زودی در یک مجلد بزرگ به چاپ برسد، از کتاب عیون الحکم والمواعظ و ذخیره المتعظ والواعظ نام برده و آن را تألیف ابن الشرفیه واسطی یاد شده می‌داند (تراثنا، شماره ۵، «المتبقی من مخطوطات نهج البلاغه»، ص ۵۶). البته ایشان احتمال داده‌اند که شرفیه شاید تحریف شرقیه باشد، چراکه شرقیه محله‌ای در واسط بوده است (ص ۵۹). در عین حال ایشان به نکته‌ای توجه داده‌اند که می‌بایست اندکی مورد مطالعه قرار گیرد: مرحوم استاد می‌نویسد که برخی از علمای امامیه میان ابن الشرفیه و مؤلف کتاب مناقب یعنی ابوالحسن علی بن محمد بن محمد الواسطی الجلابی المالکی (و یا شافعی) (د ۴۸۲ ق) خلط کرده و هر دو را یک شخصیت تصور کرده‌اند، مانند میرزا عبدالله اصفهانی افندی در ریاض العلماء؛ و بهرحال او در میان اصحاب امامیه به علی بن محمد اللیثی الواسطی نامبردار است (ص ۵۶ و ۵۸).

می‌دانیم که صاحب ریاض العلماء در جلد ۴ صفحه ۲۰۳ از علی بن محمد بن شاکر المؤدب یاد کرده و او را فاضل و عالم و محدث خوانده است. افندی می‌افزاید که او را کتابی است که در تاریخ دوشنبه ۱۹ ذیحجه سال ۴۵۷ ق از آن فراغت یافته است. وی می‌گوید این مطلب از کتاب المجموع تألیف برخی از اصحاب که از آن کتاب نقل کرده روشن می‌شود. بنابر نقل افندی، تاریخ نقل المجموع از کتاب علی بن محمد، سال ۶۴۷ ق است (نیز نک: ۲۰۹/۴). او کتاب علی بن محمد را در فضائل اهل بیت (ع) دانسته است (همان). مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی در النابس (ص ۱۲۶) فرموده‌اند که المجموع تألیف علی بن محمد اللویزانی (یا لویزوی) معروف به ابن دغیم است. در اینجا فرصتی برای بررسی کتاب المجموع نداریم ولی می‌توان برای آن به ص ۲۴۰ جلد چهارم ریاض مراجعه کرد. افندی (۲۰۹/۴) این علی بن محمد بن شاکر را از اهالی واسط دانسته است. جالب اینکه همو در جایی دیگر (۲۵۱/۴ - ۲۵۳) از علی بن محمد اللیثی





الواسطی نام برده و او را از بزرگان علمای امامیه خوانده است و گفته که او راست کتاب عیون الحکم و المواعظ، که در زمینه جمع کلمات حضرت امیر (ع) است. وی می‌افزاید که عصر وی را علی‌التعین نمی‌دانم ولی بهرحال از متاخرین است. افندی در اینجا رابطه‌ای میان این علی بن محمد لثی واسطی با علی بن محمد بن شاکر مؤدب واسطی قائل نشده است ولی این ارتباط از سوی مرحوم سید حسن صدر در تأسیس الشیعة (ص ۴۲۰) و نیز آقا بزرگ در کتاب الانوار الساطعه (ص ۱۱۳ - ۱۱۴) ایجاد شده است و مرحوم استاد طباطبایی نیز تحت تأثیر استاد خویش صاحب ذریعه، علی بن محمد لثی واسطی و علی بن محمد بن شاکر المؤدب را یک شخص قلمداد کرده‌اند (ص ۵۸). بهرحال نسبت لثی واسطی را اول بار در بحار الانوار مرحوم مجلسی (۳۶/۷۵؛ نیز نک: ۱/۱۶، ۳۴) و ریاض افندی می‌بینیم که به مؤلف عیون الحکم و المواعظ داده شده است، مؤلفی که نامش را علی و نام پدرش را محمد ضبط کرده‌اند. اما اینکه چگونه مؤلف عیون الحکم با علی بن محمد بن شاکر المؤدب واسطی یکی قلمداد شده، برای من روشن نیست. اما بهرحال چون مرحوم طباطبایی، این دو تن را یک تن قلمداد می‌کرده، گفته است که علمای امامی مذهب میان صاحب کتاب عیون الحکم یا ابوالحسن علی بن محمد بن المغازلی (د ۴۸۳ ق) خلط کرده و او را که صاحب کتابی در فضائل اهل بیت (ع) (یعنی همین کتاب مناقب چاپ شده) بوده با مؤلف عیون که در اواخر قرن ۶ ق بوده، خلط کرده‌اند، این درحالی است که چنانکه گفتیم یکی بودن علی بن محمد بن شاکر مؤدب صاحب کتاب فضائل (؟) و صاحب عیون الحکم مسلم نیست.

از سوی دیگر، یکی دانستن علی بن محمد بن ابی نزار ابن الشرفیة واسطی با علی بن محمد لثی واسطی نیز نمی‌تواند چندان دقیق تلقی شود، چرا که قرینه‌ای بر اینکه ابن الشرفیة را لثی می‌خوانده‌اند، وجود ندارد. مرحوم طباطبایی با رفع این اشکال که صاحب عیون در قرن ۵ نمی‌زیسته و کسانی که از تاریخ ۴۵۷ ق برای کتاب فضائل یاد می‌کنند، میان مؤلف آن (که از دیدگاه ایشان و صاحب ذریعه و مرحوم سید حسن صدر، با مؤلف عیون یکی است) و ابن مغازلی صاحب مناقب معروف خلط کرده‌اند، خواسته است ثابت کند که مؤلف عیون، نه در قرن ۵ که در اواخر قرن ۶ ق می‌زیسته و از اینرو می‌تواند همان ابن الشرفیة باشد، ولی به نظر ما اثبات یکی بودن این دو گرچه مستبعد نیست، با توجه به اطلاعاتی که در اختیار داریم، ناممکن است. البته روشن است که مؤلف عیون، زودتر از اواخر قرن ۶ ق، کتابش را نوشته است، چراکه در آن از کتاب خطیب خوارزمی، موفق بن احمد (د ۵۶۸ ق) بهره گرفته شده است (نک: طباطبایی، مقاله پیشگفته، ص ۵۹). بهرحال نسخه دانشگاه به دو واسطه براساس نسخه مکتوب به سال ۶۱۴ ق استنساخ شده و این می‌تواند حدود زمانی مؤلف کتاب را روشن کند (نک: فهرست دانشگاه، ۲/ ۱۵۸ - ۱۶۰).

میان اشخاص موجب شده که مؤلف الانوار الساطعه در دام چندین مطلب نادرست افتد که مراجعه به آن از این حیث جالب است (ص ۱۱۳ - ۱۱۴). البته مرحوم طباطبایی، یکی از اشتباهات الانوار را آفتابی کرده و به آن پاسخ داده‌اند (ص ۶۰ - ۶۱؛ نیز نک: الذریعه، ۱۵/ ۳۸۱، ۳۸۶ که مرتکب اشتباه غریبی شده و آن اینکه میان العیون والمحسن که از منابع مجلسی بوده و مراد از آن نزد مجلسی همان عیون الحکم و المواعظ بوده و کتاب عیون الحکم و المواعظ تمایز قائل شده). در اینجا لازم است به نکته‌ای توجه دهم و آن اینکه ابن بطریق حلی، ابوالحسن (ابوزکریا) شمس‌الدین یحیی بن الحسن بن الحسین بن علی اسدی حلی (د شعبان ۶۰۰ ق) معاصر ابن الشرفیة واسطی بوده و حتی در برخی مشایخ و شاگردان و راویان با یکدیگر اشتراک دارند و در این میان نکته‌ای جالب توجه وجود دارد: ابن بطریق نیز اواخر عمر خود را در واسط بوده و در آنجا نزد ابوبکر عبدالله بن المنصور ابن عمران الباقلانی قرائت حدیث کرده است (در تاریخ ۵۷۹ - و یا ۵۷۷ ق - و نیز در تاریخ ۵۸۴ ق). از سویی دیگر ابن ابی طی حلیی نزد هر دو تن یعنی ابن بطریق و ابن الشرفیة قرائت حدیث کرده بوده و هر دو را یک راوی یمنی است که به واسطه او کتابهای ابن مغازلی یعنی مناقب و کتابهای ابن بطریق که خود او نیز راوی کتاب ابن مغازلی هم بوده، به یمن رسیده است؛ این شاگرد به نام عقیف‌الدین علی بن محمد بن حامد صنعانی است (نک: مقاله ابن بطریق در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ترجمه عربی، ۲/ ۴۸۳ - ۴۸۵ به قلم اینجانب؛ انسان العیون، ص ۲۷۵). البته احتمال دارد که ابن بطریق اندکی پیرتر از ابن الشرفیة بوده باشد.

همچنان که ابن شرفیة، کتاب مناقب ابن مغازلی را از طریق ابوبکر ابن الباقلانی روایت می‌کرده، ابن بطریق نیز از او در واسط کتاب را دریافت داشته است (نک: ابن بطریق، خصائص الوحی المبین، ص ۲۳). اینکه علی بن محمد بن حامد صنعانی در کجا با ابن الشرفیة ملاقات کرده، دانسته نیست ولی می‌دانیم که وی با ابن بطریق در حلب به سال ۵۹۶ ق - ملاقات داشته و کتاب العمدة او را بر وی خوانده بوده است (نک: مناقب ابن المغازلی، حاشیه صفحه ۱ - ۲).

علی بن محمد بن حامد صنعانی نیز به نوبه خود کتاب ابن مغازلی و نیز العمدة و خصائص ابن بطریق را به «الفقیه الاجل الزاهد بهالدین علی بن احمد بن الحسین الاکوع» منتقل کرده است. شخص اخیر در ۵۹۸ ق. کتاب ابن مغازلی و دو کتاب ابن بطریق یعنی العمدة و خصائص را که از صنعانی یاد شده بصورت مناوله دریافت داشته است (مناقب ابن مغازلی، ص ۱ - ۲ و حاشیه؛ محاسن الازهار، نسخه خطی جامع کبیر صنعانی، شماره ۲۰۲۵، برگ ۳ و ۲۰).

جمال‌الدین عمران بن الحسن بن ناصر بن یعقوب العذری زیدی، از علمای زیدی یمن در زمان امام المنصور بن عبدالله بن حمزه که صاحب کتابی نیز به نام الیهادیة الی الصواب فی ردّ شی من الاعتراضات و تبیین ما للیس من الامور المعترضات بوده، در سال ۶۲۳ ق نسخه‌ای از کتاب



بهاالدین علی بن احمد بن الحسین اکوع، مناقب را به صورت مناوله در تاریخ جمادی الاولی سال ۵۹۹ ق دریافت داشته و او نیز کتاب را از طریق علی بن محمد بن حامد صنعانی یمنی در مکه در ثبت خود داشته است. (۶۱/۱).

علی بن محمد صنعانی، چنانکه گذشت راوی آثار ابن بطریق در میان زیدیه نیز بوده است، بطوری که افزون بر مناقب ابن مغزلی، دو کتاب ابن بطریق را نیز برای اکوع روایت کرده بوده است؛ جالب اینکه در الشافی عبدالله بن حمزه روایت او را از فقیه فاضل بهاالدین علی بن احمد بن الحسین اکوع (بصورت قرائت بروی) از علی بن محمد بن حامد الیمینی الصنعانی (بصورت مناوله) می بینیم که در آن علی بن محمد بن حامد از ابن بطریق روایت می کند و این نکته با اطلاعاتی که در حاشیه نسخه مناقب ابن مغزلی داشتیم، منطبق است (نک: الشافی، ۵۳/۱ - ۵۶). همچنین کتاب عمده ابن بطریق توسط المنصور بالله قاسم بن محمد بن علی امام زیدی معروف در الاعتصام (۴۵/۱، ۱۴۴) مورد بهره برداری قرار گرفته است (نیز نک: اجازات الاثمه الزیدیه، نسخه عکسی، ص ۲۷۹؛ مقاله ابن بطریق در دائرة المعارف تالیف اینجانب). همچنین می دانیم که نسخه ای کهن از العمده ابن بطریق، مکتوب به سال ۵۹۶ هـ (در زمان ابن بطریق) در کتابخانه آل الوزير یمن در ۲ جز موجود است (نک: حبشی، فهرس مخطوطات بعض المکتبات الخاصة فی الیمن، ص ۶۷). اگر واقعاً این نسخه مکتوب در سال یاد شده باشد (و نه اینکه نسخه مادر آن در این سال نوشته شده باشد)، باید گفت که بی تردید این نسخه همان نسخه ای است که از آن علی بن محمد بن حامد صنعانی بوده است و از اینرو اهمیت بسیار دارد. می باید کتاب العمده را که چاپ دوم آن زیر نظر مرحوم طباطبائی صورت گرفت (و البته نام او را بر روی جلد چاپ نکرده اند!!)، با این نسخه تازه یاب از کتاب العمده دیگر بار مقابله کرد.

در پایان این مقال لازم است به خاندان لینی واسطی اشاره کنم که در طبقات آقابزرگ نامشان هست و احتمالاً مؤلف عیون الحکم از همین خاندان است (نک: الانوار الساطعه ص ۴۸ - ۴۹؛ الحقائق الزاهنه ص ۵۶ - ۵۷، ۱۳۸ - ۱۴۰). این نکته مورد توجه استادمان مرحوم علامه طباطبائی و مرحوم آقابزرگ طهرانی قرار نگرفته است.

#### پانویست:

\* الشیخ کافی الدین ابوالحسن علی بن محمداللیثی الواسطی، عیون الحکم و المواعظ، به کوشش حسین الحسنی البیرجندی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش. متأسفانه در این چاپ مقدمه کتاب به علت نامعلومی حذف شده است، از اینرو مقدمه را براساس نقل مرحوم افندی و مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی مورد استفاده قرار داده ایم. این کتاب حاوی ۱۳۶۲۸ کلمه از کلمات گوهریار حضرت امیر (ع) است.

ابن المغزلی را براساس نسخه اکوع که احتمالاً به خط ابن الشرفیه هم بوده، کتابت کرده بوده و آنرا احتمالاً در ۵۹۹ ق در مسجد مدرسه منصوریه در قریه حوث (یمن) در حالی که بر اکوع یاد شده قرائت می شده است، شنیده و آنرا روایت کرده است (نک: مناقب ابن المغزلی، ص ۱، ۴۲۰ - ۴۲۱ و حاشیه). ابن عمران بن الحسن، استاد فقیه و مؤرخ زیدی حسام الدین حمید بن احمد المحلی نیز بوده و او در محاسن الازهار (برگ ۳) از وی روایت کرده است (نیز نک: همان، ص ۴۲۱ حاشیه). همچنین از سوی دیگر بهاالدین ابن الاکوع یاد شده کتاب ابن مغزلی را به فضل بن علی بن المظفر علوی عباسی به صورت مناوله و قاضی منصور بن اسماعیل بن قاسم طائی به صورت اجازه در تاریخ ۶۱۲ ق. منتقل کرده است (همان، ص ۴۲۲).

توضیحاً در باب ابن بهاالدین باید گفت که او از اصحاب منصور بالله عبدالله بن حمزه بوده و کتابی نیز به نام الاختیارات المنصوریه داشته است (نک: لوامع الانوار مؤیدی، ۳۹۵/۱، ۴۸۷؛ مؤلفات الزیدیه ۸۷/۱). در باب عمران بن الحسن اطلاعاتی براساس نسخه خطی مناقب ابن مغزلی ارائه شد ولی لازم است گفته شود که او طبق منابع زیدی، در دهه سی قرن هفتم درگذشت و علاوه بر کتاب الیهادیه (که نام صحیح آن الیهادیه الی الصواب فی اهل العقد و الاحتساب است)، کتابی نیز به نام التنبیره فی التاریخ داشته است (نک: حبشی، مصادر، ص ۱۷۸، ۴۱۰؛ لوامع الانوار، ۴۴۸/۱؛ مؤلفات الزیدیه، ۶۴/۱).

بهرحال این اطلاعات نشان می دهد که کتاب ابن مغزلی که به روایت ابن الشرفیه بوده، چگونه در اختیار زیدی مذهبیان یمن قرار گرفته و درست از طریق همانها در اختیار ما قرار گرفته است. البته کتاب ابن مغزلی به روایت ابن الباقلانی و دیگران در عراق متداول و یکی از روات آن ابن بطریق بوده است که از طریق وی این کتاب در محافل امامی شهرت یافت (نک: کشف الغمّه از بلی، ۸۸/۱ - ۸۹، جم؛ ابن طاووس، الطرائف ۱۵ - ۱۶، جم؛ نهج الحق علامه حلی، ص ۵۹، ۷۴، جم؛ بحار الانوار، ۲۵/۱؛ نیز نک: کولبرگ، کتابخانه ابن طاووس، ص ۳۹۶ - ۳۹۸). جالب توجه است که بنابر نقل ابن نقطه، ابن الباقلانی واسطی، در روایت این کتاب نامدار بوده است (تکملة الاکمال، ۱۸۹/۲؛ نیز نک: طباطبائی، اهل البیت فی المکتبه العربیه، ص ۵۷۸ - ۵۸۴). اما آنچه اینجا برای ما حائز اهمیت است، شهرتی است که مناقب ابن مغزلی و راوی آن یعنی ابن الشرفیه در سنت زیدی یافته است، بطوری که حسام الدین محلی سابق الذکر در کتاب الحقائق الوردیه فی مناقب ائمه الزیدیه داستان روایت کتاب ابن مغزلی را به نقل از علی بن محمد الشرفیه نقل کرده است و سپس گفته که این داستان در نسخه کتاب مناقب مذکور است و ما آنرا سماعاً در ثبت خود داریم (۱۴/۱). او کتاب مناقب و کتب ابن بطریق را از استاد خود بهاالدین ابن الاکوع یاد شده شنیده است (نک: محاسن الازهار، برگ ۳، ۲۰). از کتاب الشافی امام المنصور بالله عبدالله بن حمزه نیز درمی یابیم که وی از فقیه زاهد